

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳ - ۴۰

نمودهای تأثیر گذار بر رفتار شهری در داستان‌های معاصر با محوریت داستان‌های جنگ

مریم اخباری^۱آرش مشفق^۲حسین داداشی^۳

چکیده

هدف از این مقاله بررسی سیمای شهر و ویژگی‌ها و نمودهای شهری در پنج اثر داستانی حوزه ادبیات جنگ است. بدین منظور، پنج اثر داستانی حوزه ادبیات جنگ (دفاع مقدس)، گزینش شد. محتوای آن‌ها از نظر عناصر و نمودهای شهری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد، در این آثار جنگ در شهرها، بمباران، فقر و قحطی، ویرانی و نابودی فضای ظاهری شهرها و عناصر شهری در اثر جنگ از بیشترین بسامد برخوردارند. در تمامی این آثار، شهر سیمایی تیره و غم‌آلود دارد. گورستان‌ها و بیمارستان‌ها مملو از شهید و مجروح است. اغلب مردم شهر، یا مهاجرت کرده‌اند یا آن‌ها که مانده‌اند فقر مانع رفتن آن‌ها گردیده. عناصر مدرنیته شهری، ابزاری هستند در بستر جنگ. همچنین رویکرد به ادبیات داستانی جنگ از بعد عناصر شهری، حاکی از آن است که اغلب نام شهرهای درگیر جنگ بیشترین کاربرد را داشته‌اند.

واژگان کلیدی

نمودهای شهری، ادبیات معاصر، داستان‌های دفاع مقدس.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

Email: maryam.akhbari1355@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: arashmoshfeghi@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

Email: hossein.dadashi53@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۷

طرح مسأله

شهر، یکی از اصلی‌ترین محیط‌های زندگی در نظام اجتماعی معاصر است. که متشکل از ساختارها و نهادهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و صنعتی است. طی سده‌های اخیر، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و برخی علوم دیگر از شهر ارائه شده است.

«انعکاس تحولات درونی و سطحی شهرها در ادبیات داستانی، رهیافتی است که می‌تواند در شناخت بازه‌های تاریخی یک جامعه به پژوهشگران یاری رساند اما از سوی دیگر عناصر و پدیده‌های مختلفی می‌تواند بر چگونگی تصویرسازی تحولات فضای اجتماعی شهر در ذهن و تراوشات قلمی نویسنده تأثیر گذارد. شناخت عناصر اصلی و نحوه ساخت این عناصر در اندیشه یک نویسنده، بازگوکننده میزان انطباق تصویر ساخته شده از متن داستان با جامعه بیرونی و تحولات تاریخی آن است. شناخت فضاهای اجتماع شهری با استفاده از متون ادبیات داستانی بدون توجه به نحوه ارتباط متن داستانی، فضای اجتماعی شهری و نویسنده، امری ناقص و شاید گمراه‌کننده باشد.» (مدنی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۱۸۹)

به عبارتی بهتر، داستان‌ها و رمان‌ها به‌عنوان یکی از دستاوردهای ادبیات معاصر، نقش بنیادینی در نمایاندن فضای شهری و تغییر و تحولات متفاوت آن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... ایفا کرده‌اند. دستیابی به محتوای ادبیات داستانی از مواردی است که می‌توان از طریق آن به بازنمایی و شناخت فضای اجتماعی شهرها دست یافت. شکل‌گیری فضای شهری و چگونگی ویژگی‌های مختلف ظاهری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و... در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله انقلاب و جنگ تغییر می‌یابد. با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ مسأله جنگ در ادبیات داستانی معاصر ایران منعکس شد و پرداختن به جنگ و تبعات اجتماعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی آن، راه‌های نوینی را پیش پای نویسندگان قرار داد و بسیاری از آن‌ها نسبت به جنگ و پیامدهای آن احساس مسئولیت کردند. و بیش از صدها و هزاران رمان و داستان کوتاه در این زمینه خلق نمودند.

پژوهشگر بر آن است تا معیار گزینش داستان‌ها و رمان‌ها در این پژوهش را، رویکردهای چهارگانه نویسندگان معاصر به موضوع جنگ قرار بدهد. آثاری که با این رویکردها انتخاب شده‌اند عبارت‌اند از: داستان‌های ارزش محور (ارمیا)، داستان‌های جامعه‌محور (زمین سوخته)، داستان‌های انتقاد محور (ثریا در اغماء، زمستان ۶۲)، داستان‌های انسان‌محور (پل معلق). با نگاهی به سیمای شهر و شهرنشینان در آثار داستانی جنگ، علل و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری فضاها و تصاویر شهر آن داستان‌ها نقش داشته‌اند. نخستین عامل مهم که بر موضوع

و درونمایه آثار تأثیر گذاشته، تأثیرپذیری این نویسندگان از جنگ تحمیلی و مباران است. اقتصاد بحران زده، قحطی و فقر، مهاجرت، دفاع از وطن، مرگ اندیشی، شهادت و بسیاری از ناهنجاری ها و آسیب های روانی در جامعه و... از جمله عناصر و نمودهای شهری بارزی است که در این ۵ اثر داستانی مشهود است. این عوامل موجب حاکمیت مفاهیمی چون مبارزه در راه آرمان ها، جنگ، شهادت، ویرانی شهرها، آوارگی مردم جنگ زده، مهاجرت برخی از شهرنشینان، محرومیت، فقر اقتصادی و فرهنگی سطوحی از جامعه، در این داستان ها گردیده است.

روش تحقیق

در این پژوهش تلاش شده تا به شکلی توصیفی و تحلیلی با ابزار کتابخانه ای و اسنادی، به چگونگی تأثیر جنگ و تبعات آن در شکل گیری تصویر شهری در دوره معاصر پرداخته شود. به این منظور، از میان تعداد کثیری از داستان هایی که در حوزه ادبیات جنگی جای گرفته اند، تعدادی محدود و شاخص بر اساس رویکردهای چهارگانه به ادبیات جنگ^۱ را برگزیدیم. این داستان ها عبارتند از «زمین سوخته»، از احمد محمود، «ارمیا» نوشته رضا امیرخانی، «ثریا در اغمء» و «زمستان ۶۲» اثر اسماعیل فصیح، «پل معلق» از محمدرضا بایرامی. سپس هر کدام از این داستان ها با در نظر گرفتن عناصر شهری و نمودهای مختلف آن، بررسی شد و از نشانه هایی که به نوعی با عناصر و زندگی شهری در ارتباط بودند، یادداشت برداری گردید. در مرحله بعدی انواع عناصر شهری و موارد رویکرد به شهر، که تحت تأثیر جنگ و تبعات ناشی از آن رنگ و بوی متفاوتی به خود گرفته اند، دسته بندی و از نظر کیفیت حضور و تحول و نوآوری، بررسی گردید.

پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات پایداری، تاکنون مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از جمله آن ها می توان به مقاله «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ» نوشته «مهدی سعیدی» اشاره کرد. نویسنده در این پژوهش سعی نموده رویکردهای متفاوتی که ادبیات دفاع مقدس، به موضوع جنگ داشته است بررسی کند. همچنین در مورد تعریف شهر و عناصر تشکیل دهنده آن، مقاله ای تحت عنوان «بازنمایی فضای شهری در ادبیات داستانی معاصر» از «سعید مدنی» قابل ذکر می نماید. مؤلف در آن پژوهش، صرفاً به تحلیل فضای اجتماعی در ۵ اثر داستانی معاصر ایران، در محدوده زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷ پرداخته است. اما در راستای بررسی نمودهای شهری در آثار داستانی معاصر ایران و ارتباط آن با پدیده جنگ و مباران و... تحقیق و پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است.

ضرورت مسئله

جنگ و دفاع مقدس، از جمله موضوعات اساسی و بنیادینی است که در چگونگی شکل‌گیری سیمای متفاوت شهری، فرهنگ مردم، ایجاد تیپ‌های خاص در جامعه، خلق باورها و اعتقادات متفاوت، نوع روابط اجتماعی مردم، ایجاد ارزش‌های خاص در جامعه، کمیت جمعیت و... تأثیر بسزایی دارد. همه این عوامل مذکور از شاخصه‌های اصلی و مهم در شکل‌گیری و ایجاد فضای شهری است.

در کلیت داستان‌هایی که در حوزه ادبیات جنگ قرار می‌گیرند، توجه و تمایل به ویرانی‌ها و خرابی‌های ناشی از جنگ و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و تأملات روحی و جسمی مردمان شهر را می‌توان یافت. همچنین تبعات ناشی از جنگ، یکی از مضمون‌های اصلی است که در پیوند با شهر در آثار داستانی معاصر مشهود است. از این رو مطالعه برخی رمان‌ها و داستان‌های جنگ برای دستیابی به نمودهای شهری حاصل از جنگ، از اهداف این مقاله است. برای دستیابی به این هدف، این مقاله به دنبال پاسخگویی به چند پرسش اساسی و مهم به شرح زیر است: الف) جنگ چه تأثیری در کیفیت و کمیت عناصر مختلف شهری دارد؟ ب) کدام‌یک از عناصر و ویژگی‌های ساختار شهری در کانون توجه نویسندگان معاصر ادبیات جنگ قرار گرفته‌اند؟ ج) داستان‌های معاصر تا چه میزان بازتاب دهنده چهره واقعی شهرهای ایران در دوران جنگ و بعد از آن بوده‌اند؟

۱. تعریف ادبیات جنگ و تأثیر آن بر ادبیات داستانی

«ادبیات جنگ، نوشته‌ها و آثاری است که به نوعی به جنگ و مسائل مرتبط با آن می‌پردازد. در دوره معاصر، ادبیات جنگ به نوشته‌ها و آثاری اطلاق می‌گردد که محور اصلی آن‌ها جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) است.» (شریفی، : ۱۳۸۷: ۱۰۱، ذیل ادبیات جنگ) نویسندگان و روایتگران جنگ تحمیلی با الهام از واقعیات و قوه خالقه خود آثاری خلق کردند که نسل امروز با تمام رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های پدران، مادران، خواهران و برادران خود را در دفاع از کیان این آب و خاک به خوبی ترسیم می‌کند. «ادبیات پایداری، هدفمند است؛ هدف اصلی آن، ایجاد انگیزه و تحرک در جامعه برای مبارزه با استبداد داخلی یا تجاوز بیرونی با آگاهی دادن و بیدار کردن مردم است.» (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۷۱).

ادبیات داستانی همواره بستر مناسبی برای بازنمایی پدیده‌های اجتماعی و تاریخی بوده است و نویسندگان در قالب و ژانرهای مختلف به فراخور سبک و سیاق ادبی و پشتوانه فکری‌شان به آن پدیده‌ها پرداخته‌اند. جنگ نیز به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی و تاریخی بارها و به روش‌های مختلف، موضوع و دستمایه آثار بسیاری، چه در ادبیات ایران و چه در ادبیات غرب قرار گرفته است. نویسندگان و پژوهشگران، تعاریف مختلفی برای این نوع ادبی مطرح کرده‌اند.

«ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری می‌شود که به توصیف جنگ، رزمندگان، وقایع و صحنه‌های جنگ، ادوات و ابزار جنگ، نقشه‌ها و فنون جنگ و... می‌پردازد. و هم آن دسته که غیرمستقیم مسائل مربوط به جنگ نظیر مهاجرت، بمباران شهرها، خانواده رزمندگان، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه‌ها، مسائل پشت جبهه را توصیف می‌کنند. همچنین ادبیات جنگ نه تنها شامل آثار ادبی تولید شده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ، بلکه آثار تولید شده در خارج صحنه‌های نبرد و زمان پس از جنگ را نیز در بر می‌گیرد.» (کوثری، ۱۳۷۹: ۳۴) «داستانی که از جنگ، برای جنگ، درباره جنگ و حواشی آن نوشته می‌شود، ادبیات داستانی جنگ محسوب می‌شود.» (حنیف، ۱۳۸۶: ۱۱).

۲. تعریف شهر و عناصر شهری

«فضای شهری ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی است.» (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۸) فضای شهری به مثابه یک محیط اجتماعی در بردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات است. «شهر، ظرف زندگی مردم و مکان حضور اندیشه‌ها و آرمان‌هایشان است و تجلیگاه تفکراتی است که مبنای زندگی انسان‌ها را تعیین می‌کند.» (احمدی، نیاز خانی، لطیفی، ۱۳۹۸: ۸۵). شهر به طور کلی قوانین حاکم بر روابط فرهنگی مردمان یک جامعه را در خود به نمایش می‌گذارد. فرهنگ در اشکال، ترسیمات، ابزار و محیط فیزیکی ظاهر می‌شود. و طراحی‌های شهری، طراحی خانه‌ها و ساختارهای عمومی به طور صریح بازتاب ارزش‌ها و اعتقادات یک فرهنگ هستند. بنابراین فضای شهری با رویکردی اجتماعی، محصولی فرهنگی به شمار می‌آید که تحت تأثیر نیروهای بر خورنده از فرهنگ و اجتماع شکل گرفته است. این نیروها مجموعه قوانین و هنجارهای نهادینه شده جامعه است. که به واسطه ارزش‌ها از قدرت و نیروی لازم برای بهنجار کردن مردم برخوردار است. و همین نیروها هستند که در تعامل بین فرهنگ و اجتماع به خلق فضای شهری منجر می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت شهر بستر فرهنگ مدرن و رمان، تصویرگر آن به شمار می‌آید. و این نویسنده است که با تصویر و مفهوم‌سازی، به درک و چگونگی فضای آن (شهر) کمک خواهد کرد.

۳. نگاهی اجمالی به محتوای آثار داستانی

الف) زمین سوخته (احمد محمود)

داستان «زمین سوخته» داستان و روایت ۳ ماه اول جنگ ایران و عراق است، از زبان مردی اهل اهواز که با وجود بمباران‌های متوالی و مرگ بسیاری از دوستان و آشنایان در آنجا می‌ماند. این داستان به قدری قابل لمس و حس هست که خواننده‌ای که در زمان اکنون داستان را می‌خواند احساس عجیبی پیدا می‌کند. جنگ و مشکلات آوارگان و در رسیدن کمک‌ها و افزوده

شدن شهدا و خراب شدن خانه‌ها با قرارتی جدید و جالب در این داستان روایت می‌شود.

(ب) ارمیا (رضا امیرخانی)

داستان «ارمیا» داستانی متفاوت از جنگ هشت ساله ایران و عراق است. ارمیا فرزند پسر یک خانواده مرفه است. وی دانشجوی رشته عمران است. اما تصمیم ناگهانی وی برای اعزام به جبهه همه چیز را تغییر می‌دهد. وی طرز فکری متفاوت از خانواده‌اش دارد. دانشگاه را رها کرده برای رفتن به جبهه ثبت‌نام می‌کند. در واقع داستان در سه بخش روایت می‌شود. روایت اول مربوط به دوران اعزام ارمیا به جبهه، داستان رفاقت با مصطفی و اتفاقاتی است که در سنگر رخ می‌دهد. در بخش دوم ارمیا به تهران بازمی‌گردد و جنگ و آنچه در جبهه برای او رخ داده، چنان تحولی را در درون او ایجاد کرده است که تاب و تحمل زندگی در خانه اشرافیشان را ندارد! و در نهایت در سومین بخش کتاب، قهرمان داستان در جنگ‌های شمال ایران حضور می‌یابد.

(پ) ثریا در اغما (اسماعیل فصیح)

«ثریا در اغما» رمانی است نوشته «اسماعیل فصیح» که به مسئله مهاجرت و دوری از وطن می‌پردازد. جلال آریان، کارمند شرکت ملی نفت ایران، برادرزاده‌ای به نام ثریا دارد. ثریا که درسش در فرانسه تمام شده است، قصد بازگشت به ایران را دارد اما طی حادثه‌ای به کما می‌رود. بعد از این اتفاق، جلال از آبادان به فرانسه می‌رود تا به وضعیت برادرزاده‌اش رسیدگی کند. در آنجا با کسانی که بعد از انقلاب از ایران خارج شده‌اند هم‌نشین می‌شود. «ثریا در اغما» شرح، توصیف و بیان احساسات و اتفاقاتی که در این وضعیت بر وی می‌گذرد. هم‌زمان با این اتفاق جنگ ایران و عراق نیز در حال شروع است.

(ت) زمستان ۶۲ (اسماعیل فصیح)

در دی‌ماه ۱۳۶۲ جلال آریان، استاد بازنشسته دانشکده نفت آبادان، به طور اتفاقی به همراه دکتر فرجام، متخصص کامپیوتر از آمریکا به اهواز می‌رود تا ادريس پسر بسیجی مستخدمش را که در خلال جنگ مفقود شده است، بیابد. وی سپس با دکتر فرجام جوان که می‌خواهد مرکز کامپیوتری را برای شرکت نفت راه‌اندازی کند، بیشتر آشنا می‌شود. دکتر فرجام با مقررات دست و پاگیر اداری و گزینش صلاحیت‌های درگیر شده، از کار دلسرد می‌شود و سپس به خاطر نجات جان سربازی که چشمان نامزدش شبیه نامزد فوت شده اوست، به جای سرباز به خط مقدم رفته، شهید می‌شود تا سرباز بتواند با کارت او به خارج کشور فرار کند.

(ث) پل معلق (محمد رضا بایرامی)

داستان پسری ۱۸ ساله بنام «نادر صدیف» است که از خانواده‌ای کاملاً معمولی به خدمت سربازی می‌رود. نادر از تهران به منطقه‌ای دورافتاده اعزام می‌شود و در کنار پلی قرار می‌گیرد که

در اثر بمباران ویران‌شده و به جای پل قبلی، پلی موقت برای عبور و مرور روی رودخانه زده‌اند. نادر خود را از شهری پرهیاهو به گوشه‌ای پرت از این سرزمین می‌رساند و در آنجا به‌مرور خاطرات تلخ گذشته خود می‌پردازد.

۴. چگونگی رویکرد به عناصر شهری

هر پژوهشگری با توجه به دیدگاه و تخصص خویش، تعریف‌هایی از شهر و عناصر شهری ارائه می‌دهد. در این بخش از مقاله، نویسنده سعی نموده عناصر مشترک این حوزه را با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تعاریف عناصر شهری، اعم از گستردگی جمعیتی، صنعتی، اداری، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و... با ذکر نمونه متن‌هایی از آثار داستانی مذکور، کیفیت حضور آن عناصر در داستان‌ها را تحلیل کند.

۴-۱. ساختار ظاهری جامعه‌ی شهری

۴-۱-۱. فضاهای عمومی شهر

در ابتدای رمان «زمین سوخته» وقتی هنوز خبر حمله عراق در حد شایبه‌ای در اذهان مردم است، آرامشی مطلق در شهر حکم فرماست. همه اقشار شهر در نهایت امنیت و آرامش، مشغول روزمرگی‌های خود هستند. راوی شهر را این‌گونه توصیف می‌کند «آفتاب از لب بام پریده است. چراغ خیابان‌ها روشن شده است. نانوائی خلوت است. مجید شیر برنجی کنار دیگ بزرگ شیر برنج، رو سنگفرش مقابل نانوائی نشسته است و مگس می‌پراند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۴) و (همان: ۱۸) وقتی همه اهالی شهر کوچ کرده و شهر را خالی گذاشته‌اند، چنین تصویری از شهر به چشم می‌خورد «همه‌جا ساکت است. جابه‌جا آنتن تلویزیون‌ها روی بام‌ها یک‌سوی شده است. لابد کسی تو خانه نیست.» (همان: ۳۱۹) در اوج بحران جنگ، که همه‌جا پر از شهید و ویرانی است، فضایی کاملاً تاریک بر شهر حکم فرماست. «خیلی‌ها سیاه پوشیده‌اند. این روزها تو اهواز کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شود که عزادار نباشد. وانت‌بار سیاه‌پوشی پشت سر تابوت‌هاست. تابوت‌ها دست‌به‌دست می‌شوند.» (همان: ۲۶۶) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۵-۶) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۷۴)

در داستان «ارمیا» بعد از بازگشت شخصیت اصلی داستان (ارمیا) از جبهه، با چنین تصویری از شهر مواجه می‌شود «دیوارهای سنگی سفید به طرز عجیبی از شعارنویسی مصون مانده بودند. مثل یک ورق سفید در انتظار مداد نویسنده.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۴۱) در بخشی از همین داستان، ارمیا مجدداً به دانشگاه مراجعه می‌کند تا ادامه درس‌هایش را پیگیری کند. در نظر وی دانشگاه چنین می‌نماید «دیوارهای آجری سرخ؛ ساختمان‌های بلند و کوتاه و راه‌های درازی که این ساختمان‌ها را به هم وصل می‌کردند. راه‌ها مثل مار دور ساختمان‌های آجری چنبره زده بودند. معلوم نبود چرا این دیوارها را با آجر قرمز ساخته بودند. اگر دیوار دور را بلندتر می‌ساختند، چیزی مثل زندان در ذهن آدم درست می‌شد. اما اینجا دانشگاه بود، دانشگاه صنعتی بوعلی!»

(همان: ۷۰) شهر تهران در داستان «ارمیا» بعد از اتمام جنگ، حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد «در خیابان‌های شلوغ تهران دیگر از ماشین‌های گلی خبری نبود. ماشین‌هایی که برای استتار، روی آن‌ها گل می‌مالیدند، جایشان را به ماشین‌های نو داده بودند. دیگر اتوبوس‌های حمل رزمندگان به جبهه، سرویس رفت و برگشت مدارس دخترانه شده بودند.» (همان: ۸۳)

۴-۱-۲. مراکز علمی - آموزشی

در بخش‌های آغازین رمان «زمین سوخته» پیش از آن که جنگ در شهر فراگیر شود، جوی کاملاً آرام توأم با شور و نشاط حاکم است. همهٔ امور زندگی و آموزشی در روال عادی خود در جریان است. به باز شدن مدارس چیزی نمانده. بچه‌ها مقابل کتاب‌فروشی اسلامی شلوغ کرده‌اند. دارند کتاب درسی می‌خرند. شور و شوق بچه‌ها که به مدرسه می‌روند، به شهر چهرهٔ دیگری می‌دهد.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۸) از جمله بخش‌های آموزشی که در داستان ارمیا در نظر راوی - شخصیت اصلی داستان - نمود خوشایند و رضایت‌بخشی ندارد، بخش آموزش دانشگاه‌ها است. ارمیا از جنگ بازمی‌گردد و راهی دانشگاه و بخش آموزشی آنجا می‌شود تا کارهای اداری برگزاری مجدد امتحاناتش را انجام دهد. «اداره آموزش دانشگاه معمولاً جزء قسمت‌هایی بود که دانشجویان خیلی دوست نداشتند گذرشان به آنجا بیفتد. یک دانشجو که تازه بر صورتش چند دانه مو روییده است، به اداره آموزش می‌رود و به کارمندی که دو برابرش سن دارد، امر و نهی می‌کند.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۷۷)

۴-۱-۳. سازمان‌های اداری و مؤسسات

تأثیرپذیری داستان‌نویسان جنگ از این حادثهٔ مهم، باعث گردید نام سازمان‌ها و مؤسساتی نمود پیدا کنند که تا قبل از آن دوره، کاربرد و معنایی نداشته‌اند. از جملهٔ این سازمان‌ها، سازمان بنیاد شهید است «با نام‌های که از بیمارستان شهید بقائی در دست دارم، به بنیاد شهید و مرکز امور جنگ‌زدگان و بیمارستان‌ها و مراکز مجروحین و اسکان‌های معلولین جنگی مراجعه می‌کنم.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۸)

۴-۱-۴. مراکز خدماتی

فرودگاه‌ها اولین مراکزی هستند که با بمباران آن‌ها جنگ علناً شروع می‌شود. بعد از اولین بمباران که فرودگاه اهواز، تبریز، همدان، دزفول و تهران نابود می‌شود، شهر چنین تصویری به خود می‌گیرد «غروب، چراغ‌های شهر روشن نمی‌شود. مردم انگار که از زمین جوشیده باشند، از خانه‌ها بیرون ریخته‌اند. همه، با هیچ آشنایی قبلی با گرمی از همدیگر استقبال می‌کنند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۵) و (همان: ۲۳۲).

۴-۱-۵. مراکز درمانی

بنا به موضوع محوری (جنگ) که در آثار مذکور برجستگی و الایی دارد، مراکز درمانی همچون بیمارستان، درمانگاه و... در کانون توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. بیمارستان‌ها مملو از خیل زخمی‌ها و مجروحین است «تو اتاق عمومی، تمام تخت‌ها پر است. حتی رو زمین هم مجروح خوابیده است. حتی تو راهروها پتو پهن کرده‌اند و مجروحین را کنار همدیگر خوابانده‌اند.» (همان: ۱۳۷) گاهی از شدت مراجعه مجروحین و مصدومین به بیمارستان، این مرکز خدماتی تبدیل می‌شود به خانه امن پزشکان فداکار و ایشارگر! (همان: ۱۲۳) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۴۹)

۴-۱-۶. مکان‌های مذهبی - زیارتی - تفریحی - ورزشی - رفاهی

مکان‌های مختلف مذهبی، رفاهی، تفریحی، ورزشی و... در آثار داستانی جنگ به انحاء متعدد گاهی حضور می‌یابند. اما بنا به موضوعات محوری و فضای نابسامان حاکم بر این آثار، مکان‌های تفریحی و ورزشی (پارک، سینما، موزه، باغ‌وحش و...) نمود چندانی ندارند. اگر هم نامی از آن‌ها برده می‌شود، بسیار کمرنگ و اغلب در جهت تشدید در توصیف خرابی‌ها و ویرانگری‌های ناشی از جنگ و بمباران است. در رمان «پل معلق» راوی وقتی مشغول مرور خاطرات خویش است، اشاره‌ای دارد به سینما، صرفاً به‌عنوان مکانی برای گذران وقت. «از پله‌های ایستگاه رفت بالا... چرا نرفته بود پارک یا سینما یا جایی دیگر که بشود وقت را کشت؟» (همان: ۱۲) قهوه‌خانه‌ها، از جمله مکان‌های پربسامد در این آثار به شمار می‌روند. چراکه مکانی برای دورهم شدن مردم تلقی می‌شود، نشر اخبار و اطلاعات به روز جنگ در همین قهوه‌خانه‌ها رخ می‌دهد و گاهی مکانی می‌شود برای تفریح اهالی محل «قهوه‌خانه خلوت است. عصرها شلوغ می‌شود. مردم محل، عصر که می‌شود تو قهوه‌خانه مهدی پاپتی، دور همدیگر جمع می‌شوند و به حرف زدن و کبریت بازی و شرط‌بندی که تا شب شود.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۰۵) مسجد نیز به‌عنوان مکانی مقدس، در آثار داستانی جنگ محل تجمع نیروهای مردمی و سربازان برای اعزام به خط مقدم است. مکانی برای تجلی اتحاد و یکدلی مردم. «تو تمام مساجد شهر و کمیته‌ها، غلغله مردم است. صف داوطلبان جبهه و جنگ‌های چریکی، روبروی مساجد و کمیته‌ها، لحظه‌به‌لحظه درازتر می‌شود. می‌خواهند تو میدان جمع شوند. و به طرف مسجد راه پیمائی کنند و برای آزاد کردن زندانی‌ها شعار بدهند.» (همان: ۵۵ و ۲۹۷) «رستوران‌ها نیز مثل بقیه‌ی جاهای اهواز تقریباً تخلیه شده.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۶۴)

۴-۲. ابعاد فرهنگ شهری

تأثیر کیفیت محیط بر زندگی انسان، امری روشن است. محیط‌های مختلف تأثیرات خاصی بر روحیه افراد دارند و رفتارهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. از جمله موضوعات اساسی که در

چگونگی ایجاد فضای شهری و نحوه رفتار و برخورد مردم شهرنشین، نقش بسزایی دارد جنگ و تبعات ناشی از آن است. در آثار مذکور، وضعیت روحی و روانی مردم شهر نیز تحت‌الشعاع جنگ و حوادث و مشکلات ناشی از آن، چهره‌های مختلفی به خود می‌گیرد. قحطی و فقر منجر به تنش روانی و عصبی شدن مردم شهر می‌شود «صف بنزین خانه‌ها انتها ندارد. دعوای لفظی، مقابل نانوائی‌ها و بنزین خانه‌ها به فحش و فحش‌کاری و زدوخورد بدل می‌شود. مردم مثل خروس جنگی به سر و کله‌همدیگر می‌پزند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۵۶)

جنگ، بمباران، فقر و... تا حدی مخرب و ویرانگر است که تنها سه ماه کافی است تا بی‌مهری و بی‌محبتی را در سرتاسر شهر جریان دهد «سه ماه جنگ، همه چیز را عوض کرده است. کمبود مواد غذایی، شهیدان پی‌درپی، در بدری و آوارگی مردم در اردوگاه‌ها، و بعد بازگشتشان، منهدم شدن خانه‌ها زیر گلوله‌های توپ، مملو شدن بیمارستان‌ها از زخمی‌ها، هوای سرد، کمبود سوخت، بی‌بنزینی، بیکاری، تنگدستی و... خیلی‌ها را تنگ حوصله کرده است. گاهی یک کلام که رنگ بی‌مهری داشته باشد، قشقرقی به پا می‌کند.» (همان: ۲۷۳) اما گاهی نیز، یک بحران فراگیر و عمومی، منجر به اتحاد و همدلی مردم می‌شود. «زن‌ها، بچه‌ها، پسرها و دخترها، کوچه به کوچه و خانه به خانه جست‌وجو می‌کنند و کیسه‌های خالی را دسته می‌کنند. اتوبوس‌ها، وانت‌بارها، و سواری‌ها مملو از پیر و جوان همه به هم فشرده، و با فریادهای درهم و سرتا پا خیس عرق و رنگ‌ها برافروخته، خیابان‌ها را پشت سر می‌گذارند به طرف پادگان.» (همان: ۲-۳۱) در هر برهه‌ای از جنگ، چه در طول هشت سال دفاع مقدس و چه بعد از اتمام جنگ و مصالحه، مردم بحران‌های روحی - روانی متعددی را متحمل شدند. مشکلات اقتصادی از جمله اساسی‌ترین دغدغه‌های زندگی آن دوره بود. «ارمیا» با دیدن تصویرهای مختلف شهر تهران، غرق در اندیشه و غم می‌شود «هیچ‌کس نمی‌دانست چه اتفاقی برای اقتصاد مملکت خواهد افتاد. روزی نبود که خبر ورشکستگی تاجری منتشر نشود.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۸۴) یأس و ناامیدی از زندگی، کار و آینده، در شرایط جنگی احساسی طبیعی و عادی در بین مردم به نظر می‌رسد «این روزها اداره‌ها تق و لق است. کسی حال و حوصله‌ی کار کردن ندارد.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۳۳) ناامیدی از زندگی و مرگ طلبی و زندگی ستیزی، از جمله اندیشه‌های نشأت گرفته از اوضاع بحرانی جنگ است. (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۸)

عدم امنیت در شهر، از آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ به شمار می‌رود که در پی مهاجرت ساکنان از شهر ایجاد می‌شود «تو شهر دزدی زیاد شده است. شایع است که از شهرهای دیگر با کامیون می‌آیند و اثاثیه خانه‌های مردم را بار می‌کنند و می‌روند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۰۵) «رشوه‌خواری موضوعی است که به‌عنوان راهکاری برای رفع مشکل مردم شهر، به‌صورت غیرمستقیم در داستان «پل معلق» بدان اشاره می‌شود.» (بایرامی، ۱۳۸۱: ۸)

۳-۴. سبک زندگی خانواده شهری

۱-۳-۴. نقش‌ها و مسئولیت‌های اعضای خانواده

تمامی اعضای خانواده در اغلب داستان‌های جنگ، حضور دارند. اما مادر جایگاه ویژه‌ای دارد. وی همواره چهره‌های داغدار، مهربان، وفادار، راضی، دلسوز، نگران ولی همواره امیدوار، ذکر بر لب و دعاگو دارد. در اوج بمباران شهر، وقتی خانه‌ها با پتوهایی استتار شده و همه در خانه‌ای تاریک، پناه گرفته‌اند. «مادر موی سفیدش را زیر مقنعه جمع کرده است. خیس عرق است. لب‌های مادر می‌جنبند انگار که آیه‌الکرسی می‌خواند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۳۸)

وقتی اعضای خانواده در نهایت ناامیدی و ناراحتی قصد مهاجرت از شهر دارند، علی‌رغم طوفان درونی که در وجود مادر برپاست، وی کماکان ذکر بر لب دارد و آرامشش را حفظ می‌کند «مادر همچنان قرآن به دست دارد.» (همان: ۴۸) مادر مثل همیشه صبور است و سرشار از تحمل. حتی بعد از شنیدن خبر شهادت فرزندانش. «(همان: ۳۲۴) مادر داستان «ارمیا» تنها دوست و همراه همیشگی فرزندش (ارمیا) است. وی با فرزند خویش رابطه‌ای صمیمانه و دوستانه دارد و تنها کسی است که به دردهای او آگاهی دارد. (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۶۰)

۲-۳-۴. جمعیت خانواده‌ها

جنگ در میان جمعیت‌ها، آثار عمیقی بر تغییر ترکیب جمعیت دارد: ضریب مرگ‌ومیر، زاد و ولد و مهاجرت. در جنگ، مرگ‌ومیرها بر نسل جوان متمرکز می‌شوند. پدیده‌ای که در ساختار سنی و جنسی جمعیت تغییر ایجاد می‌کند. «(کاپلو، ونسن، ۱۳۸۹: ۶۱) در بازه زمانی که رمان‌های مورد بحث جریان می‌یابند، اغلب خانواده‌ها پرجمعیت هستند. و اغلب صاحب ۴ فرزند یا بیشتر. «هفت نفریم. پسر تو جبهه است. دخترم زیر آوار مانده. خودم و دو تا بچه توی چادر...» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۷) و (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۸۵) اما علی‌رغم پرجمعیت بودن خانواده‌ها، جنگ و بمباران باعث شده تا آمار مرگ‌ومیر به شدت افزایش یابد. و جوهره جنگ جز این نمی‌طلبد. «هر جنگ، جنبه‌های زیادی دارد. اما یکی از این جنبه‌ها اثر غیرقابل انکاری برجا می‌گذارد که آن را در همه جنگ‌ها می‌یابیم، جنبه کشتار جمعی سازمان یافته و هدفدار، است. زیرا جنگ بدون کشتار وجود ندارد» (یوتول، ۱۳۷۹: ۴۷)

۴-۴. نام شهرها

به اقتضای موضوع ادبیات جنگ، در اغلب آثار این حوزه بیشترین بسامد نام شهرها، متعلق است به شهرهای آبادان، اهواز، خوزستان و گاهی تهران. «راحت آبادان را می‌کویند. آبادان جهنم سوزان شده است.» (محمود، ۱۳۶۱: ۹۹) جلال آریان (راوی داستان) در «زمستان ۶۲» اوضاع و احوال مردم تهران را این گونه شرح می‌دهد «آن‌ها هم مثل همه به نوعی منتظر

چیزی‌اند. توی صف منتظر اتوبوس‌اند با منتظر نان لواش‌اند.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۷).

۴-۵. مضامین مرتبط با شهر

۴-۵-۱. نظم و قانون

وقتی اولین حملات به شهر اهواز شروع می‌شود و بیش از دویست تانک تا ده کیلومتری شهر می‌آیند، آرامش و نظم شهر به کلی مختل می‌شود. «یکهو شهر عین لانه زنبوری که با یک ضربه ناگهانی خراب شده باشد و یا در یک لحظه، گر گرفته باشد، به هم می‌ریزد. نظم رفت‌وآمد ماشین‌ها به هم خورده است.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۹)

۴-۵-۲. بمباران شهرها

از جمله مضامین خاص و نو که در ادبیات داستانی معاصر، به‌ویژه داستان‌های جنگ مشهود است، فضای شهری مرگبار ناشی از جنگ و بمباران جنگی است. «شب‌ها، شهر مثل گور تاریک می‌شود.» (همان: ۳۸) جنگ و بمباران و فضای پر از رعب و وحشت ناشی از آن، باعث ایجاد تدابیر امنیتی از طرف عامه مردم نیز می‌گردد. «در اولین حملات ناگهانی دشمن، تمام شیشه‌ها و پنجره‌ها فرو می‌ریزد. هنوز فرصت نکرده‌ایم که شیشه‌ها را چسب بزنییم. چسب کاغذی یک‌شبه نایاب شده است.» (همان: ۳۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۲)

۴-۵-۳. آوارگی و در بدری

«درون مایه رمان زمین سوخته بیان حوادث، مشکلات، گرفتاری‌ها و دربه‌دری‌هایی است که برای مردم شهرهای جنگ‌زده رخ داده است و نویسنده از این طریق خواسته است تا مشکلات و سختی‌های جنگ‌زدگان را منعکس نماید. نویسنده سعی کرده است که تنها حوادث و مشکلات را بیان کند و این خواننده است که باید به طور غیرمستقیم هدف نویسنده را دریابد.» (قالوندی، عابدی، عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۸۴). با اولین حمله و ورود تانک‌ها به شهر «پیرمردی آرام بر سر خود می‌زنند و زمزمه می‌کند خانه خراب شدیم. بعد از یه عمر آبروداری در بدر شدیم!» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۹) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۰)

۴-۵-۴. مهاجرت یا وطن‌دوستی

جنگ و اثرات ناشی از آن، چهره‌های متفاوت و تأسف‌برانگیز به شهر می‌دهد « مردم گروه‌گروه خانه‌ها را ترک می‌کنند. و با هر وسیله‌ای که به دستشان می‌افتد از شهر خارج می‌شوند. گروه‌گروه کثیری پیاده راه افتاده‌اند. بی‌آنکه مقصدی داشته باشند به طرف بیابان می‌روند. مردم با دست‌خالی از خرمشهر گریخته‌اند. خانه و زندگیشان را رها کرده‌اند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۴-۸۳) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۴۷) و (محمود، ۱۳۶۱: ۷۲) اما اوج حس وطن‌دوستی و وابستگی به زادگاه در سخنان مادر داستان زمین سوخته، به طرز نامحسوسی خودنمایی می‌کند.

«به من قول بدین که اگر تو غربت مردم بیاریدم تو همین شهر خودم.» (همان: ۶۲)

۴-۵-۵. شجاعت و ایثار یا ترس

در گیرودار جنگ و خرابی‌ها و ناامنی‌های ناشی از آن، دو موضوع شهادت و ایثار و در مقابل آن، ترس و نگرانی از مهلکه جنگ، از دغدغه‌های فکری شخصیت‌های داستان‌ها و رمان‌های ادبیات جنگ محسوب می‌شود. گروهی معتقدند وظیفه هر هم‌وطنی حضور در جنگ است تا خون شهدا پامال نشود. همه موظف‌اند تا آخرین قطره خون بجنگند چرا که این حکم تاریخ است «اگر نجنگیم به خودمون خیانت کرده‌ایم. به نسلمان خیانت کرده‌ایم. به انقلاب خیانت کرده‌ایم.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۶۹، ۱۹۰) اما گروهی نیز بر این باورند که ماندن در شهر و شهادت، فقط مختص فقراست و بس «همیشه ماها سنگ زیر آسیا هستیم. همه دردها را ما باید تحمل کنیم.» (همان: ۷۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۷).

۴-۵-۶. فقر و قحطی

در شرایط جنگ و مشکلات ناشی از آن، فقر و نداری و قحطی از جمله موضوعاتی است که گریبان گیر افشار متوسط جامعه است. و^۱ (همان: ۵۶)

۴-۶. فناوری و مدرنیسم

در داستان‌ها و رمان‌های ادبیات جنگ، عناصر نوین شهری و مدرنیته از جمله رادیو و تلویزیون بیشتر به عنوان وسیله‌ای جهت اطلاع‌رسانی جنگ و مبارزان و گزارش آمار شهدا و... به کار رفته است. رادیو، به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی اغلب مواقع ضعیف عمل می‌کند! در اوایل رمان «زمین سوخته» وقتی خبر بمباران فرودگاه پخش می‌شود «طیاره‌های عراق، فرودگاه‌ها را بمباران کردن. زدن فرودگاه را داغون کردن. حتی یک کلمه از رادیو گفته نمیشه.» (همان: ۲۴) گاهی رادیو وسیله‌ای قرار می‌گیرد برای تهییج مردم «طنین سروده‌های انقلابی و مارش نظامی که از رادیوها برمی‌خیزد تمام شهر را پر کرده است. رادیو از مردم دعوت می‌کند که برای دادن خون مراجعه کنند. (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۹۰) و (همان: ۳۳۲) تلویزیون، اخبار جنگ را به صورتی عینی و واضح به تصویر می‌کشد «این طرف اتاق تلویزیون سرلوحه اخبار ایران و جنگ تحمیلی را پخش می‌کند.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۹۰) و (همان: ۳۳۲) به طور کل می‌توان گفت، در آثار داستانی جنگ و دفاع مقدس، آن دسته از عناصر فناوری و مدرنیته‌ای بیشترین کاربرد را دارند که در راه مبارزه، دفاع و حمله در شرایط جنگی استفاده می‌شوند. از آن جمله هلی کوپتر، دوربین سیمونوفن، تفنگ ۱۰۶، اره برقی، تک لول، وایراتور، راکت، هواپیما، آژیر، خمپاره و... (همان: ۱۹۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۹ و ۵۱)

۴-۷. مشاغل و سازمان‌ها

در میان مشاغل و سازمان‌های گوناگون که با زندگی شهری پیوند دارد، در این آثار بیشتر سازمان‌هایی تازه تأسیس حضور دارند. سازمان‌هایی که در جهت رفاه حال مردم جنگ‌زده ایجاد شده است. از جمله ستاد تبلیغات و هلال احمر. بنیاد امور جنگ‌زدگان، بنیاد شهید و دادگاه زمان جنگ. «با نامه‌ای که از بیمارستان شهید بقایی در دست دارم به بنیاد شهید و مرکز امور جنگ‌زدگان و بیمارستان‌ها و مراکز مجروحین و اسکان‌های معلولین جنگی مراجعه می‌کنم.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۸) و (محمود، ۱۳۶۱: ۴۳) انواع صاحبان مشاغل نیز در این داستان‌ها نمود دارند. معلم، دکتر، قهوه‌چی، سلمانی، لوکس‌فروشی، بستنی‌فروش، راننده تاکسی، کتاب‌فروش، باقالافروش، مکانیک، دکتر داروخانه، کارمند و کارگر و... (همان: ۱۴ و ۸۸ و ۵۵ و ۴۵)

نتیجه‌گیری

در داستان «ثریا در اغماء» نویسنده از طریق تیپ‌ها و فضاهاى مختلف، ویرانگری‌های ناشی از جنگ را به خوبی تصویر می‌کند. جامعه‌ای که در «زمستان ۶۲» ترسیم می‌شود، مملو است از فشارهای روحی روانی، بی‌نظمی، ضعف اقتصادی، عزا و ماتم، درد و رنج، شهادت و شب‌های تاریک. بستر زندگی در رمان «زمین سوخته» فقیرترین محله‌های اهواز است. در این محله‌ها آدم‌ها همچون ماهی‌های بی‌دفاع در جویبار پرتلاطم زندگی شنا می‌کنند و بالأخره با دینامیت و باروت صید می‌شوند. در جامعه رمان واقع‌گرایانه «زمین سوخته» مردم که اغلب آدم‌های کوچک و بازاریاند جنگ را پذیرفته‌اند و در روزهای سخت پناهگاه همدیگرند. در داستان «پل معلق» جامعه‌ای که بایرامی به تصویر کشانده، عصبی، بی‌قرار و کلافه و مستأصل است. جنگ شهرها آرامش را از مردم ربوده آن‌ها را آواره و بی‌عزت کرده. در این جامعه بدبینی بیش از خوش‌بینی به چشم می‌خورد. با توجه به نتیجه نهایی که از بررسی ۵ داستان ادبیات جنگ حاصل شد، می‌توان به چنین جمع‌بندی رسید:

۱. از جمله عناصر شهری بارز در این داستان‌ها، که بیش از بقیه موارد خودنمایی کرده و کانون توجه اغلب نویسندگان بوده، ساختار ظاهری جامعه شهری است. تمامی عناصر زیر مجموعه این عنصر، در پی جنگ و بمباران دچار ویرانی و نابودی شده، و چهره‌های تاریک و غم‌آلود و بی‌رمق به‌ظاهر شهر بخشیده‌اند.

۲. در ابتدای همه داستان‌ها، قبل از شروع جنگ، نویسندگان جوی مثبت و سرشار از آرامش و امنیت را ترسیم کرده‌اند. فضایی که کم‌کم تبدیل به گورستانی از شهدا می‌شود.

۳. در این داستان‌ها به نام سازمان‌هایی نوساخته که نشئت گرفته از موقعیت جنگی است، اشاره شده است.

۴. در تمامی این آثار، مادر شخصیتی صبور و باایمان و صمیمی با اعضای خانواده دارد. تا حدی که به خاطر شهادت فرزندش، شاکر خداست. چرا که شهادت را مایه عزت و سربلندی می‌داند.

۵. فقر، قحطی و وجود ناامنی در پی جنگ از جمله عواملی هستند که موضوع مهاجرت را برجسته می‌سازند.

۶. جنگ و نگرانی‌ها و تبعات جبران‌ناپذیر آن، مردم شهر را از نظر روحی و روانی بسیار تضعیف کرده و سختی‌های ناشی از بمباران و مهاجرت و ... بی‌طاقتشان نموده. ولی گاهی نیز همان جنگ آن‌ها را به هم نزدیک‌تر و بامحبت‌تر کرده است.

۷. اقشار مختلف جامعه در جامعه شهری جنگ‌زده حضور دارند و یاریگر همدیگر هستند.

۸. عناصر مدرنیته و نوین شهری در این داستان‌ها، اغلب در راستای عنصر جنگ کاربرد می‌یابند.

۹. مراکز مختلف تفریحی، ورزشی، رفاهی و... در این داستان‌ها نمود چندان واضح برجسته‌ای ندارند.

۱۰. یأس و ناامیدی و مرگ طلبی از جمله باورهای اغلب اشخاص این داستان‌ها است.

۱۱. در داستان «ارمیا» خواننده با باورها، اعتقادات و تیپ‌های جدیدی در حوزه ادبیات جنگ آشنا می‌شود. در رمان واقع‌گرای «زمین سوخته» محور داستان، جامعه و هنجارها و آسیب‌های مربوط به آن است. در داستان‌های «زمستان ۶۲» و «ثریا در اغماء» نویسنده تفکری بدبینانه به جنگ و حواشی آن دارد. و در داستان «پل معلق» محوریت انسان است با تمام ترس‌ها و تردیدهایی که دارد.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. امیرخانی، رضا. (۱۳۸۷). ارمیا، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
۲. حنیف، محمد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه (نقد و بررسی ۲۰ رمان و داستان بلند جنگ)، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، چ اول.
۳. ربانی، رسول. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، انتشارات سمت.
۴. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
۵. توسلی، محمود. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری. فضای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری، تهران، انتشارات شهیدی، چ سوم.
۶. فصیح، اسماعیل. (۱۳۷۱). ثریا در اغماء، انتشارات ذهن آور، چ چهاردهم.
۷. (۱۳۶۶). زمستان، تهران، نشر نو، چ اول.
۸. بایرامی، محمدرضا. (۱۳۸۱). پل معلق، تهران، نشر افق، چ یازدهم.
۹. محمود، احمد. (۱۳۶۱). زمین سوخته، تهران، نشر نو، چ اول.
۱۰. کاپلو، تئودور. ونسن، پاسکال. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چ اول.
۱۱. بوتول، گاستون. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ چهارم.
۱۲. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ نشر نو و انتشارات معین، چ دوم.

ب) مقالات

۱۳. سعیدی، مهدی. (۱۳۸۵). «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ ۱۳۸۴-۱۳۵۹»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش هفتم.
۱۴. مدنی، سعید. زمانی دهقانی، مجید. بهیان، شاپور. آقاجانی، حسین. (۱۳۹۶). «بازنمایی فضای اجتماعی شهری در ادبیات داستانی ایران معاصر»، مطالعه جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم. ش ۲۴.
۱۵. فلاوندی، زیبا. عابدی، سید حمزه. عزیزی، علی. (۱۳۷۹). «بررسی عناصر داستان «زمین سوخته» اثر احمد محمود»، قند پارسی، سال اول، شماره ۱.
۱۶. جهانگرد، فرانک. (۱۳۹۵). «تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران»، ادبیات پایداری دانشگاه کرمان، سال هشتم، شماره ۱۴.
۱۷. احمدی، سارا. نیاز خانی، سمانه. لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «بازاندیشی آرمان شهری مدرن در ادبیات داستانی دو دهه آخر قبل از انقلاب اسلامی (با تأکید بر آثار نادر ابراهیمی)»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۵۵.

